

«بسم خداوند منان»

«خدمت دولت عزیزم قرار گاهی گرامیم عنبرضا لیری، سپیدوش GF2»

سلام علیکم و خسته نباشید. لاینکه فرصتی لری داشت، راست چند صدمه ای بنویسیم بسیار
خرسندوش دارم. عنبرضا جان، خانواره گرامیان را حضوراً ملاقات کردم. و حرفها و

دردشان را شنیدیم و بسیار متاثر گشتم. مدیانی برای چه علت؟

زیرا که من خانواره خوب نداشتم به انقدر زحمت داشت در مورد بیرون آوردن لری از زمان

از خودشان بدهند. و مثل خانواره شما تا دم در اشرف بیاید. و خود توش هر قضیه بودی.

ولی من برای نجات خودم تلاش کردم. ولی برای تو بسیار متاثرم که قدر زحمت و زحمات

شبانه روزی این خانواره ات را در مورد خودت درک نمی کنی.

لذا داشتن چنین خانواره باید اتمی رکنی رتبه و طبعی هم که در باره این همه تلاش که اگر باید از خودت

بدهی، پاسخ گفتن قطعی و درست و منطقی به خواسته آنراست و جوابی است که من خودم

به خودم دارم. بلی آن جواب چیزی جز خروج از سازمان نیست.

من به عنبرضا هدیه کرده ام که زندگی من، آکنده من - زحمات و اندیشه ام برای سازمان به هیچ عنوان

مهم نیست. بلکه هر لحظه مورد سوءاستفاده سیاسی لری وجود من برای سازمان قرار دارم.

و مصرف می شوم. و به معنای سازمان دارم استهاری شوم در صورتی که سازمان شعار ضد استهاری

میده.

لذا تو میخواهم که از کالای مصرف شدن برای مدت کوتاه یا طولانی برای سازمان دست برداشته و به

دروغها و گول زدنهای FA های مثل، رقیب عباسی - فرشته شجاع - عسگر - حمید - مجید توان و غیره

که من دارم در فعل حاضر فرزند هانت هستند یا تغییر کرد. اصلاً تن رنده می. و برای تکلیف است هم

که شده خودت باشی در برای خودت مگر بلی. من لری از زمان خارج شده ام ولی دارم که

سازمان چه فکری درباره آن کلید. ولی بدان سازمان با تمام وجود به من نرسد. حتی در لحظه
خروج از سازمان، دلیل تمیزی که یک انگشت نقره داشتم در پرتل ناپیچری که داشتم را نیز به من برود
ولی من در عوض جان خود را از سازمان خواستم و رفتم و خارج شدم. و اکنون خودم هستم نه برای
خودم تصمیم میگیرم. در عین حال در راحتی و آسودگی اندیشه و فکر با اختیار تصمیم گرفتم بر امتیازهای
دوستانه نویسم. و تو را از حقایق آگاه کنم. بدان کنی که اکنون در ایران هستند مثل سحاب آسمان
جیب - وغیره در ایران به راحتی دارند زندگی میکنند. عزتندگی خوش و خرمی دارند. بدون اینکه کوچکترین
محدودیتی داشته باشند. و هر وقت خواهیم همدمی را می بینیم و میبینی می رویم و جشن دوستانی میگیریم.
به خودت توان این را بده که در مقابل کنی که دشمن زندگی و آینده تو هستند برخیزی و قاطعانه بلوی
که من نمیخواهم در سازمان بازم و حتی شده خودت را به شترها اگر بستی برسان و خودت را
تسیم آنگاه بکن بعد از تسیم شدن به اگر بستی ها به راحتی می توانی به کمک آمده در مدت کوتاهی
به وطن خودت و به آغوش گرم خانم و خانواده در رفاه و آسایش برگردی و زندگی نو آغاز کنی.
در این معنی و طقت قلبی می هستند که اشک ریزان شبی نمی خوابند و بیدار می مانند به امید آنکه
شاید تو را آن سو برگردی و عرض سلام کنی و در انتظار دیدن شانه شاری می کشند. ولی در
سازمان قلبی می هستند که سنگ شده اند و حتی برای مرده آدم نیز اشک نمی ریزند و فقط لذت وجود
بطور آگاه و کمال استفاده می میکنند.

سران و سرگردگان سازمان به زودی در دادگاههای علمی در جلوی ازها محاکمه خواهند شد و در سوای
تاریخ زمان خودشان خواهند شد. ولی با بودن تو و اشک تو که یک سیاهی شکر و شکر است به حساب
می آید برای آن یک فرصت زمانی طلایی و یک سو استفاده آن می سیاهی برای آن است که به
جمع کردن شما خودتان را به مدت زمانی از زیر تیغ این محکمه ها ببرد و بگذارد. و زمان برای خود
توسط شما می فرزند. و نگذار که وجودت موجب زمان خریدن برای سازمان باشد. و هر لحظه و هر روز
که مثل تو نخواست بیرون می آید به کاشش دادن این زمان ملک می کنی تا حقایق ثابت

پرده این سالن که سالهاست روشن است از زمان مدفون کرده بیرون بیاورد و تا خودت از
سالن بیرون نیایی به واقعیت این حقایق پی خواهی برد.

در آخر دست عزیزم با آرزوی موفقیت و شادکامی در تمامی لحظه‌های امیدوارم که به هر چه ^{نی} و ^{ند} ^{ها} ^{ند} ^{ها}
که اشاره کردم حتماً اگر شده ساعت بدرستی و با منطق به آن فکر کنی و فقط و فقط با فکر خودت
به آن نگاه کنی.

کار دو دکا و گرفتن، عیدی - هدیه گرفتن هر چند گرانتر هم باشند شاید تو را لحظاتی خوشی دل کرده
باشند ولی آیا به اندازه در آغوش گرفتن پدر و مادر، دشمن کردن اعضاء خانواده با آرامش و
امنیت و بدون اضطراب و استرس درونی آیا برابر می‌کنند؟ آیا FA ها چنین هدیه‌ای می‌توانند
بدهند؟ هرگز.

در پایان به امید روزی که درین خانواده است در ایران شاد و خرسند و مسرور همگی را به همراه دارید
و با ضبط و با نوشتن دادن به انواع هر مسویتی که در آن بخواید همگی را ملاقات کنیم. و مطمئن باش
این آرزو در اشرف مسیر خواهد بود.

دوستدار همیشه تو

ستاره = نازر بابائی - نازر ترنگ

ناصر سعید علی بابائی

محمد مجید حوی